

گفت‌وگو با سعید براتی، مدیر فیلمبرداری «خدای جنگ»:

فیلمبرداری

سخت‌ولدت بخش

موشکی ایران - ساعد سهیلی در نقش ابراهیم - است. واقع شخصیت حسن تهرانی مقدم در این فیلم به‌صورت مستقیم حضور ندارد و این اتفاق از زاویه نگاه بکر هم‌زمان او روایت می‌شود. به‌بهانه اکران این فیلم در خانه جشنواره با سعید براتی، مدیر فیلمبرداری فیلم سینمایی گفت‌وگو کردیم تا از چالش‌های کار یک پروژه متفاوت با پس‌زمینه جنگی و موشکی صحبت کند. مهم‌ترین آثار براتی در حرفه دستیار اول فیلمبرداری فیلم‌های «گ‌خواب»، «دریاکنار» و «روزهای زندگی است. همچنین او فیلمبرداری فیلم «به‌وقت شام سریال‌های «بی‌صدا فریاد کن»، «ساعت شنی» و «ح سوم» را به عهده داشته است. براتی را باید بیه مدیر فیلمبرداری سینما بدانیم؛ چون ۷۵ درصد آثار سینمایی و ۲۵ درصد تلویزیونی است.

فیلم «خدای جنگ» که امسال در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، قدرت و اقتدار موشکی ایران را نمایش می‌دهد که اتفاق بدون کمترین اغراق یا حرف‌های دهان پرکن، قصه‌اش را با بیانی مستقیم برای مخاطبان بیان می‌کند. جالب است که مخاطبان هم متوجه شکل بیان داستان و نوع فیلمبرداری آن شده‌اند و تا این لحظه جزو فیلم‌های برگزیده از نگاه تماشاگران قرار گرفته است. این فیلم روایتی حساس از یک اتفاق تاریخی و مهم معاصر در جنگ ایران و عراق پیرامون آغازین روزهای ایجاد یگان موشکی نیروهای مسلح ایران با محوریت زندگی یکی از هم‌زمان شهید حسن تهرانی مقدم، پدر



نسرین بختیاری گروه فرهنگ‌و‌هنر



کار با حسین دارابی به عنوان کارگردان چه ویژگی‌هایی دارد که شما را به همکاری با او مجاب کرد؟

حسین دارابی خیلی فرد حساسی در کار است و خودم از این حساسیت کاربش لذت می‌برم؛ من با وجود این‌که خیلی اذیت می‌شوم، ولی درخشانی به‌دست می‌آید و این از جمله خوبی‌های کار با حسین دارابی است که از صفر تا صد پای کارش می‌ایستد؛ چون بسیاری از کارگردانان کار را می‌کنند و این موجب ناراحتی عوامل می‌شود. حسین دارابی در کارش به شدت پیگیر است و این خیلی خوب است. من تجربه کارهای قبلاً داشتم اما تجربه نمایش موشک را نه؛ آن هم سازه‌ای که ۱۸ متر طول داشته باشد! اما این تجربه که فیلم را جذاب‌تر می‌کرد، برای خودم خیلی بود. تجربه کار در خدای جنگ برایم ارزشمند است و حضور در چنین فیلم‌هایی شاید تنها یک بار در طول عمر یک هنرمند رخ دهد. سینمای دارابی را دوست دارم و وقتی نتیجه کار را روی پرده دیدم بسیار راضی بودم و به این نتیجه رسیدم که به همه سختی‌هایش می‌ارزید.

شما عنوان کردید که در پروژه‌های جنگی همکاری کرده بودید اما چه چیزی فیلمبرداری خدای جنگ را ویژه می‌کند؟

به‌طور کلی کار در پروژه جنگی سخت است، چون فرآیند پیش‌تولید و تولید آن به‌گونه‌ای زمان‌بر است و کار را سخت می‌کند. کار فیلمبرداری خدای باتوجه به حال و هوای موشکی فیلم که با دیگر فیلم‌ها متفاوت است، خاص‌تر است. پرتاب موشک نیاز به لنداسکیپی دارد که غیرقابل باور است ما - نوعی ماشین - و موشکی رویه رو هستید که سروته ندار و این برای من به عنوان فیلمبردار خیلی لذت‌بخش است که بتوانم چنین فضایی کنم. در خدای جنگ، صد خودم را گذاشتم و اساساً معتقدم در فیلمبرداری یک فیلم جنگی باید بهترین بود. خیلی ممنونم از گروه اوج که من فیلم دعوت کردند و جدا از نتیجه خیلی راضیم. امیدوارم که آبروی همه ما حفظ شود.

کار در خدای جنگ چه چالش‌هایی داشت؟

ما برای لانگ‌شات‌های پرتاب موشک، چیزی حدود دو هزار متر کابل سه‌فاز کشیدیم و کشیدن این مقدار کابل سه‌فاز یعنی دو کیلومتر و فکر کنید وسعتی رویه رو بودیم که تیمی برای نورپردازی بیاید و تیم بعدی بیاید کار را برای از دست رفتن زمان ادامه دهد. شرایط به‌گونه‌ای بود که ۱۰۰ متر خشک و در جایی هم برف می‌آمد. وقتی پکیج فیلم خوب می‌شود و ما حاصل تلاش‌ها به ثمر می‌نشیند، تمام این سختی‌ها از بین می‌رود. با این‌که در این فیلم اذیت‌بخش و خیلی برایم سخت بود، در نهایت سرم را بالا می‌گیرم. به عنوان نسل جوانی که جنگ را از نزدیک ندیدم اما لمس کردم، تأثیری از فیلم جنگی پذیرفتم که از بچگی این نوع کارها را دوست داشتم. از طرفی نوع کار در فیلم‌های جنگی الان با دهه ۶۰ و ۷۰ خیلی متفاوت است. در واقع مادر حال شبیه‌سازی هستیم و نشان می‌دهیم که چه چیزی بوده و چه چیزی اتفاق افتاده است.

چقدر تکنولوژی‌های نوین در فرآیند فیلمبرداری به شما کمک کرده است؟

خیلی زیاد؛ آقای محمد برادران در زمینه جلوه‌های ویژه بصری خیلی به ما کمک کرد و حضور او تأثیر بسزایی در کل فیلم گذاشت. از طرفی شناخت حسین دارابی نسبت به آنچه می‌خواهد در پلان‌ها انجام دهد، خیلی اهمیت دارد و خیلی به ما کمک کرد. به‌طور کلی سینمای جنگی مادر دوران اخیر به جلوه‌دادن و استفاده از رنگ و لعاب روی خوش نشان داده و جذابیت این آثار را برای عموم بیشتر کرده است. خوشحالم که فیلم خدای جنگ رنگ و لعاب زیادی دارد و سینمای جنگی ما به این سمت و سورتوجه است در حالی که در دهه‌های قبلی اتفاقاً تأکید بر این بود که از فیلم‌های جنگی تا آنجا که ممکن است، رنگ را بگیریم. حسین دارابی به عنوان کارگردان هم بر این پرنگی فیلم تأکید داشت و خودش عاشق رنگ در سینماست.

فیلمبرداری کارهای جنگی به نسبت سایر ژانرها چه تفاوت‌هایی دارد؟

فیلمبرداری در کارهای دفاع مقدس نباید به چشم بیاید؛ این در حالی است که یک فیلمبردار در لحظاتی از فیلم به واسطه انتخاب زوایا و نورپردازی به راحتی می‌تواند از فیلم جلوه‌زده‌ای من‌معتقدم فیلم خوب باید کار کنیم، نه فیلمبرداری خوب. اساساً این حس در همه بخش‌های خدای جنگ وجود داشت که یک کار بر دیگری پیشی نمی‌گرفت. برای مثال درباره بازی ساعد سهیلی هم باید بگویم او وقتی کنار سایر بازیگران قرار می‌گیرد، احساس نمی‌کنیم که یک سوپرستار است و در ایفای نقش خود از بقیه جلوه نمی‌زند یا خود را بیش از آنچه باید در نقش نشان نمی‌دهد. و همه نقش‌ها به همان اندازه یک‌دست بودند.

فکر می‌کنید فیلم‌های جنگی این روزها با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند؟

ساخت فیلم‌های جنگی علاوه بر گران‌شدن به جهت دسترسی به تجهیزات و ادوات نظامی سخت‌تر هم شده است. متأسفانه بین مدیران ما عملکردی کم شده است؛ در حالی که مدام گفته می‌شود باید فیلم ارزشی بسازیم اما در عمل از ساخت آنها حمایت چندانی نمی‌شود و دلسوزی کم شده است. تا جایی که امروز عملاً نمی‌توانیم فیلم دهه ۴۰ تا ۵۰ بسازیم مگر در شهرک غزالی که آن هم گاهی ممکن نیست. گاهی تانک و بالگرد در اختیار گروه‌ها قرار نمی‌دهند و یک جایی ما مجبور به جایگزینی با سی‌جی - استفاده از تصاویر رایانه‌ای - شدیم. همچنین اسلحه کم داریم و همین مشکلات و موانع تعداد جلسات فیلمبرداری یک اثر را بیشتر و بالتبع هزینه تولید فیلم را گران‌تر می‌کند. با این حال باز هم می‌گویند فیلم جنگی بسازید اما شرایطش را فراهم نمی‌کنند و حمایت‌ها باید بیشتر شود. همین‌طور می‌شود که برداشت پلانی با این‌که می‌تواند در نصف روز برداشت شود، چهار روز زمان می‌برد و در نتیجه دستمزد‌های همه بخش‌ها را بالا می‌برد.

